



درس اول : صلاة جماعت با اهل سنت

۱۴۰۰ / .۹ / .۴

درس خارج فقه

استاد گرانقدر

آیت الله حاج شیخ محمد قاینی

سال تحصیلی ۱۴۰۰ - ۱۴۰۱

قم - پژوهشکده حج و زیارت ، گروه فقه و حقوق

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و صلى الله على محمد وآله الطاهرين، و لعنة الله على أعدائهم إلى يوم الدين....

نماز جماعت پشت سر مخالفين - در غير تقيه -

يكي از مباحثي كه معمولاً چه براي حاج و كساني كه مشرف به حج مي شوند محل ابتلاست و چه بلاد و شهرهايي كه شيعه مختلط با اهل سنت است، و مساجد به گونه‌اي است كه امامت اهل سنت در آن مساجد محل ابتلاي شيعه است. مسئله‌ي **صلاة جماعت با اهل سنت است** كه وضعيت تكليف اشخاص در حضور نسبت به صلاة جماعت در جايي كه امام جماعت از غير شيعه و از غير اماميه است وضعيتش چگونه است، تكليفاً و وضعاً؟

منظور اين است كه از حيث تكليفي حضور در آن مساجد و نماز خواندن همراه آنها آيا لازم است يا مستحب است يا هيچ کدام؟ و ديگر اينكه آيا نمازي كه شخص همراه آنها مي خواند آيا به صورت نماز جماعت منعقد مي شود و احكام جماعت را دارد يا خير؟

چون نماز جماعت احكامي دارد، غير از وظائف فرادا در نماز جماعت هم وظائفي براي مصلي مفروض است از حيث اداي اجزاء غير از متابعت، حمدش را نخواند و چه چيز در نماز از او ساقط است و ديگر اينكه احكامي از قبيل اعتماد مأموم به امام در شك در ركعات و اينكه در مواردی كه مأموم در ركعات شك دارد يكي از احكام صلاة جماعت، اعتماد مأموم به امام است. آيا نماز جماعت با اهل سنت در فرض امامت غير شيعه به عنوان نماز جماعت منعقد مي شود تا اينكه احكام جماعت بر آن مترتب شود يا خير؟

پس بحث در حقيقت در دو مطلب است:

يكي حكم تكليفي شركت در جماعت اهل سنت و اينكه آيا تكليفاً حكم حضور با آنان چيست؟
ديگري اينكه وضعاً آيا نماز صحيح است و احكام جماعت بر آن مترتب مي شود يا خير؟
بحث در اين مسأله جهاتي دارد كه در روايات مورد توجه قرار گرفته است و در اين بحث مطرح

مي شود.

جهت اول:

حکم حضور در جماعت‌هایی که مربوط به اهل سنت است به این معنا که امام و متصدی امامت جماعت از غیر شیعه است. آیا حضور در این جماعت و خواندن نماز همراه چنین امام جماعتی مشروعیت و مطلوبیتی دارد؟ با قطع نظر از صحت و بطلان آن.

بحث ما در رابطه با حضور در جماعت‌های اهل سنت با قطع نظر از عنوان تقيه اضطراری است. چون شکی نیست که اگر شرایط تقيه‌ای باشد و مکلف مضطر به شرکت با آنان است، بلاشک تقيه بر مکلف واجب است و انجام هر عمل تقيه‌ای وظیفه‌ی مکلف است.

از جمله امور، حضور در جماعات آنان است، اگر تقيه بدون آن ممکن نباشد. همانطور که تقيه اقتضا می‌کند و جوب حفظ نفس را ولو بارتکاب برخی محرمات، صلاة جماعت که از محرّم بالاتر نیست. اگر ارتکاب حرام در فرض ضرورت واجب است برای حفظ نفس، خوب در فرضی که مکلف مضطر در مقام تقيه است و این عمل از قبیل فعل مباح است، خوب شکی در این قضیه نیست که واجب است.

و لذا این بحث الآن محطّ بحث ما نیست. فرض کنید که تقيه اقتضای حضور در جماعت اهل سنت و مخالفین ندارد و مکلف می‌تواند در هتل نماز بخواند و حاجی می‌تواند در نمازهای آنان حضور نیابد. ولی در عین حال آیا مطلوبیت دارد که مکلف به خودش زحمت دهد، همانطور که مطلوبیت دارد حضور در جماعت شیعه و اجر زیادی بر آن مترتب است، آیا حضور در جماعت‌های اهل سنت، این مطلوبیت از نظر حکم تکلیفی در آن هست یا نه؟

این جهت اولی بحث، مستفاد از عده‌ای از روایات این است که حضور در جماعت اهل سنت و نماز خواندن به همراهی اهل سنت مطلوبیت دارد، حالا کیفیت چگونه است بعداً إن شاء الله، اما اصل حضور با آنان و نماز خواندن همراه آنان از روایات متعددی مطلوبیت و استحباب این عمل قابل استفاده است. بلکه از برخی از روایات استفاده می‌شود که اجر این عمل کمتر از اجر حضور در صلاة جماعت با امام جماعت شیعی نیست.

از برخی از روایات استفاده می‌شود که حضور در جماعت اهل سنت و نماز خواندن با آنان افضل از جماعت با امام جماعت شیعی است. یعنی اگر حاجی می‌تواند در هتل نماز جماعت را با يك امام جماعت شیعه برگزار کند، روحانی کاروان می‌تواند متصدی امامت جماعت شود، افضل آن است که آن جماعت را رها کند و حضور پیدا کند در جماعت اهل سنت. و اینکه هر مقدار جمع اهل سنت در جماعتشان بیشتر شد، فضیلت نماز شیعه‌ای که حضور در جماعت آنان پیدا کند بالاتر است. عجیب است در برخی روایات که کتاب و سائل

آوردم و عده‌ای از روایات را می‌خوانم. در برخی از روایات تعبیر این است: «من صلی معهم کان کمن صلی خلف رسول الله ﷺ في الصف الأول»^۱.

در نماز جماعت با امام شیعه چنین فضیلتی در هیچ روایتی معمولاً نیست. اما در روایات ما کأنه نسبت به این عمل و حضور در جماعت و معاشرت با آنان در قضیه صلاة تأکید شده است و ائمه عليهم السلام عنایت داشته‌اند در اینکه این امر محقق شود. بنده هنوز نگفته‌ام نماز با آنان درست است یا نه؟ مجزی است یا نه؟ که در بخش‌هایی از درس بحث خواهد آمد.

فعلاً بحث در این است که حضور در جماعت اهل سنت و جایی که امام جماعت از مخالفین شیعه و قائل به امامتی که شیعه معتقد است، نیست، مراد ما از این به بعد از مخالف همین عنوان است و برداشت بدی نشود، یعنی مخالفند با آنچه شیعه قائل است؛ شیعه معتقد به امامت منصوبه متصل به وفات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است و اهل سنت مخالف این امامت هستند. و قائلند امامت با نصب شکل نگرفته است و با انتخاب شکل گرفته است، بعد از رحلت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و از ناحیه امت. و لذا معنای مخالفتی که ما تعبیر می‌کنیم که می‌گوییم مخالفین، این معنا است، چون دیدیم بعضی‌ها يك حساسیتی در این کلمه دارند. که نگوید مخالفین. منظور از مخالف در اصطلاحی که از این به بعد تعبیر می‌کنیم کما اینکه منظور بزرگان هم بوده است، یعنی مخالفند با نظر شیعه در امامت منصوبه.

سؤال: زیدیه یا اسماعیلیه چگونه هستند؟

پاسخ: از آنان به مخالف تعبیر نمی‌شود زیرا قائل به امامت منصوبه هستند لکن زیدیه از بعد از امام سجاد عليه السلام یا اسماعیلیه بعد از امام صادق عليه السلام منحرف می‌شوند. لذا ما با زیدیه و اسماعیلیه و دیگر فرق شیعه توافق داریم که امامت منصوبه است و بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله امامت منصوبه منسوبه مربوط به علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین عليه السلام است.

سؤال: در برخی کتب از غیر امامیه تعبیر به مخالفین شده است.

پاسخ: ممکن است برخی چهار امامی، شش امامی یا هفت امامی را مخالف تعبیر کند، فطحیه یا آن دسته از کسانی که اکنون وجود ندارند و وقتی از حضرت پرسیدند که خانه‌های ما از کتب این‌ها پر است «بیوتنا منها ملي»، یعنی روایات زیادی از اینان به دست ما رسیده است که حضرت در جواب فرمودند: «خذوا بما روؤا و ذروا ما رأوا»^۲.

۱. وسائل الشیعة ۸ : ۲۹۹ ح (۱۰۷۱۷).

۲. الغیبة، للشیخ الطوسی : ۳۸۶. جریان مربوط به صدور توقیع شریفی است که از وجود مقدس حضرت صاحب الزمان عليه السلام پیرامون محمد بن علی شلمغانی معروف به ابن ابی‌الغزاق صادر شده است که مردم از حسین بن روح نوبختی سؤال می‌کنند که پیرامون کتب او چه کنیم؟ او در جواب می‌گوید: همان کاری که حضرت امام حسن عسکری عليه السلام در پاسخ به استفاده از کتب بنی

به هر حال منظور ما از مخالف همین معنایی است که در اصطلاح فقها و روایات آمده است. یعنی با نص بر امامت خاصه مخالفند و مدعی هستند که امامت با خلافت انتخابی شکل می‌گیرد.

عرض شد که مستفاد از روایات فضیلت بالایی در صلاة با مخالفین هست. بنده قبل از آن که عبارت روایت را بخوانم توجه داشته باشید این مطلب که منصوصه هست، مُفتاً به هم هست. چون ممکن است که ما نصی داشته باشیم ولی مُعرض عنه باشد و لکن قبل از بیان نص، برای اینکه توهم این نشود که این روایات مورد اعراض فقها بوده است، برخی از عبارات را می‌خوانم تا بدانیم که این قضیه علاوه بر اینکه مورد روایت است مورد پذیرش اصحاب هم هست.

عبارت مرحوم شهید ثانی در رسائل:

«وَأَمَّا الصَّلَاةُ خَلْفَ الْمَخَالِفِ فِيهَا ثَوَابٌ عَظِيمٌ، بَلْ هِيَ أَفْضَلُ وَأَكْثَرُ ثَوَاباً مِنْ جَمَاعَةِ الْمُؤْمِنِينَ؛ لِأَجْلِ التَّقِيَّةِ...»^۳.

وَأَمَّا الصَّلَاةُ خَلْفَ الْمَخَالِفِ ایشان هم تعبیر به مخالف می‌کند یعنی همان‌هایی که تعبیر از اهل سنت می‌شوند، و به نظر من تعبیر به مخالف ادق از تعبیر اهل سنت است، چرا که وقتی اهل سنت گفته می‌شود کأنه تعریض دارد به اینکه ما اهل سنت نیستیم، در حالی که مراد، سنت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد. ما خود را اهل سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌دانیم فلذا اینکه گفته می‌شود سنی مسلک، منظور این است. سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قطعاً دست حضرت امام امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و فرزندان ایشان عَلَيْهِمُ السَّلَام بوده، بیشتر از ابوهریره و امثال او است.

این اصطلاح شده است که به اینان سنی بگویند، در هیچ روایتی معهود نیست که از مخالفین تعبیر به سنی بشود. این اصطلاحی است که بعداً یا خود مخالفین گذاشتند و به زبان ما شیعیان جاری شده است. در حالی که سنی واقعی به معنای عامل به سنت پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ما هستیم. ولی در عین حال به دیگران تعبیر می‌شود.

فِيهَا ثَوَابٌ عَظِيمٌ، شهید ثانی است که می‌گویند: **بَلْ هِيَ أَفْضَلُ وَأَكْثَرُ ثَوَاباً مِنْ جَمَاعَةِ الْمُؤْمِنِينَ**. نماز خلف مخالف افضل از صلاة خلف امام جماعت شیعه است چرا افضل؟ **لِأَجْلِ التَّقِيَّةِ** منتهی تقیه‌ای که در کلمات تعبیر می‌شود، همان تقیه‌ی مداراتی است و این را ایشان از روایات اخذ نموده است که در روایت خواهد آمد.

به عنوان نمونه اشاره کنیم که در برخی روایات آمده است که نماز جماعت ۲۵ برابر از نماز فرادا ثواب دارد. در روایت داریم که اگر با مخالفین خوانده شود ۵۰ برابر ثواب دارد و این دوبرابری ثواب بخاطر تقیه

فضال از ایشان شد فرمود؛ ایشان فرمود: «خذوا بما رووا و ذروا ما رأوا»، که هرچه نقل کرده را بپذیرید و هرکجا حرف خودش و نظر خودش را بیان کرده است نپذیرید و به کناری بزنید.

۳. رسائل الشهيد الثاني ۱: ۵۸۵.

است. سپس ایشان به کیفیت نماز با آنان می‌پردازد که آیا مانند امام جماعت شیعی است یا تفاوتی دارد که در مباحث بعدی خواهد آمد. *إن شاء الله*.

سؤال: اقسام تقیه.

جواب: تقیه مداراتی اصطلاحی است که از برخی نصوص مستفاد است. تقیه خوفی و اضطراری داریم و تقیه مداراتی؛ از روایات استفاده می‌شود که حتی بدون خوف و ضرورت هم امر به صلاة با آنان شده است و حضور در مساجد آنان و عبادت از مرضای آنان بالخصوص تأکید شده است، با اینکه هیچ خوفی فرض نشده از آن به تقیه مداراتی تعبیر شده است.

از جمله روایاتی که به وضوح دلالت بر این مسأله دارد و این که صلاة با آنان هم مشروعیت دارد و افضل از صلاة معمولی است، در باب ۵ از ابواب صلاة الجماعة آمده است. مرحوم صاحب وسائل صلاة جماعت مع المخالفین را ذیل ابواب صلاة جماعت عام مطرح نموده است. باب ۵ عنوانش این است: «بَابُ اسْتِحْبَابِ حُضُورِ الْجَمَاعَةِ خَلْفَ مَنْ لَا يُقْتَدَى بِهِ لِلتَّقِيَةِ وَالْقِيَامِ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ مَعَهُ»، نکته‌هایی داریم که ذیل روایات خواهد آمد. مرحوم شیخ حرّعاملی رحمته الله برداشتی داشته که ما برداشت دیگری داریم که خواهد آمد. صدوق هم این روایت را در فقیه و امالی نقل کرده است.

صدوق یاسناده عن حماد بن عثمان - سند معتبر است - سند دیگری که ایشان در امالی دارد - حسین بن ابراهیم عن علي بن ابراهیم عن أبيه عن ابن ابي عمير عن أبي زياد النهدي عن ابن البكير - که چون روایت به ابن بکیر ختم می‌شود روایت دیگری می‌شود، ولو متن مطابق با روایت قبل است. این از سهل انگاری و خطایی است که صاحب وسائل انجام داده که يك روایت نقل کرده در حالی که این‌ها دو روایت است.

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ»^۴.

روایت بعدی روایت حلبی است که به کتاب تهذیب و کتاب کافی مربوط می‌شود، روایت قبل مربوط به کتاب من لا یحضره الفقیه بود، روایت حلبی به شیخ طوسی رحمته الله و شیخ کلینی رحمته الله مربوط می‌شود. سند کلینی: «عن علي بن ابراهیم عن أبيه عن ابن ابي عمير عن حماد عن الحلبي»، از آن سندهایی است که به نظر ما با این سند، قرآن اثبات می‌شود، یعنی دعوی حصول قطع به صدور این روایت مجازفه نیست. اینقدر سند از حیث کیفیت بالاست.

«وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم»^۵.

۴. وسائل الشیعة، ج ۸ ص ۲۹۹ ح ۱ (۱۰۷۱۷)؛

۵. وسائل الشیعة، ج ۸ ص ۳۰۰ ح ۴ (۱۰۷۲۰)؛

ترتیبی که ما ذکر کردیم به دلیل مقدار دلالت و قوت سند است.

روایت بعدی را مشایخ ثلاثه - شیخ صدوق علیه السلام، شیخ طوسی علیه السلام و شیخ کلینی علیه السلام - نقل کرده‌اند.

شیخ صدوق علیه السلام: یا سنده عن حفص بن البختري.

شیخ کلینی علیه السلام: عن محمد بن اسماعيل عن الفضل بن شاذان عن ابن أبي عمير عن حفص بن البختري که

از آن سندهای اعلائی است که با چهار واسطه به معصوم علیه السلام منتهی می‌شود.

شیخ طوسی علیه السلام: رواه الشيخ یا سنده عن محمد بن اسماعيل مثله....

پس این روایت را مشایخ ثلاثه نقل نموده‌اند.

«و یا سنده عن حفص بن البختري عن أبي عبد الله علیه السلام قال: يُحَسَبُ لَكَ إِذَا دَخَلْتَ مَعَهُمْ - وَإِنْ كُنْتَ

لَا تَقْتَدِي بِهِمْ مِثْلَ مَا يُحَسَبُ لَكَ - إِذَا كُنْتَ مَعَ مَنْ يُقْتَدَى بِهِ»^۶.

اگر با آنان همراهی کنی ولو اقتدا نکردی، یعنی همراه آنان نماز فردی خود را بخوانید. به همان

مقداری که اگر به امام جماعتی که اقتدای به او صحیح است به نماز خلف المخالف هم همین میزان ثواب

می‌دهند.

جمع بین این دو روایت می‌شود که به مقدار آنان و بلکه زیاده می‌دهند. این روایت در مقام این است

که خیال نکنید کارتان بدون مزد است. اگر با امام جماعت شیعی نماز بخوانی چقدر ثواب می‌دهند با مخالف

هم می‌دهند. دو روایت قبل می‌گفت که بیشتر می‌دهند.

باز روایت دیگری که بر این مطلب به خوبی دلالت دارد صحیح‌ه‌ی عبدالله بن سنان است. در این

صحیح‌ه اینگونه آمده است:

«أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ فِي الْمَحَاسِنِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا

عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَلَا تَحْمِلُوا النَّاسَ عَلَى أَكْتَانِكُمْ فَتَنْدَلُوا - إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى

يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾، - ثُمَّ قَالَ: عُدُّوا مَرْضَاهُمْ، وَأَشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ، وَأَشْهَدُوا لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ،

وَصَلُّوا مَعَهُمْ فِي مَسَاجِدِهِمْ»^۷. الْحَدِيثُ.

قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَلَا تَحْمِلُوا النَّاسَ

عَلَى أَكْتَانِكُمْ فَتَنْدَلُوا خلاصه بهانه دست مخالفین ندهید، ناس اصطلاحی است که در روایت به مخالفین

اطلاق می‌شود. كأنه مشیر به این است که وقت نماز جماعت بلند می‌شوند و به سمت نماز می‌روند، ولی عده‌ای

از شیعیان بلند می‌شوند و می‌روند. این باعث می‌شود که بگویند شیعیان به نماز بی‌اعتنا هستند. یعنی کاری نکنید

که شما را مورد توهین قرار دهند. إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا حضرت

^۶. وسائل الشیعة، ج ۸ ص ۳۰۰ ح ۳ (۱۰۷۱۹)؛

^۷. وسائل الشیعة، ج ۸ ص ۳۰۱ ح ۸ (۱۰۷۲۱)؛

در این بحث به قرآن استشهاد می‌کند و مراد، مخالفین نیست بلکه عام است و همه مردم را شامل می‌شود. با مردم خوش رفتار باشید و گرنه می‌گفت با مؤمنین خوب و خوش باشید. لذا این روایت شامل یهودی هم می‌شود. با هر کسی باید با تعامل عاقلانه رفتار نمود. **ثُمَّ قَالَ شَاهِدْ مَا أَيْنَ نَكْتَهَ اسْتَعُوذُوا مَرَضَاهُمْ** از بیماران آنان عیادت نمایید **وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ** به تشییع جنازه‌های آنان بروید **وَ اشْهَدُوا لَهُمْ وَ عَلَيْهِمْ** در دادگاه‌ها اگر قرار شد برای شهادت برویم به نفع یا ضرر آنان، انجام دهید. **وَ صَلُّوا مَعَهُمْ** کنار آنان در جماعت‌هایشان شرکت کنید. **فِي مَسَاجِدِهِمْ...** اگر در مساجد آنان شیعه‌ای نماز بخواند و جدا بخواند ممکن است زمینه فتنه و دشمنی را ایجاد نماید. **مَعَهُمْ** یعنی همراه با آنان، صدق کند که همراه آنان نماز خواندی، این منافاتی با آن ندارد که وظایف فرادا را هم انجام دهید. حمد و سوره را خودش بخواند و رکوع و سجود با آنان، نه اینکه اقتدا کنید.

در روایات و با توجه به کلمات فقهاء کیفیت نماز با مخالفین بیان خواهد شد. آنچه در روایات بر آن اصرار است همراه با آنان نماز خواندن است و حفظ شکل نماز با آنان، نه اینکه حالت انفرادی پیدا کند و باعث جدایی و تفرقه شود.

روایاتی که آمد هر کدام صحیح بود و احکام الزامی با این روایات قابل اثبات است تا چه رسد که بخواهیم حکم مشروعیت و استحباب صلاة مع المخالف را اثبات نماییم.

ممکن است کسی بگوید که این روایات معارض دارد؟

برخی روایاتی که بیان می‌شود معارض روایات قبل است:

ابراهیم بن علی مرافقی و عمر بن ربیع... آن روایاتی که خواندیم باب ۵ بود، این روایات در باب ۶ است. عنوان این باب **بَابُ اسْتِحْبَابِ إِيقَاعِ الْفَرِيضَةِ قَبْلَ الْمُخَالِفِ أَوْ بَعْدَهُ وَ حُضُورِهَا مَعَهُ** می‌باشد که روایاتی در این باب آورده است و استحباب صلاة مع المخالف اثبات می‌شود.

يك نمونه را بخوانیم:

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: مَا مِنْ عَبْدٍ يُصَلِّي فِي الْوَقْتِ وَ يَفْرُغُ - ثُمَّ يَأْتِيهِمْ وَ يُصَلِّي مَعَهُمْ وَ هُوَ عَلَى وَضوءٍ - إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَمْسًا وَ عِشْرِينَ دَرَجَةً.^۸

مَا مِنْ عَبْدٍ يُصَلِّي فِي الْوَقْتِ هیچ کسی نیست که پس از دخول وقت نماز را در منزل مثلاً بخواند **وَ يَفْرُغُ ثُمَّ يَأْتِيهِمْ وَ يُصَلِّي مَعَهُمْ** سپس مجدداً با مخالفین مشغول نماز شود. آنچه که در مورد استحباب اعاده صلاة جماعت همراه با امام جماعت شیعه داریم، در مورد امام جماعت مخالف داریم یعنی کسی در منزل نماز را خواند و وقتی وارد مسجد شد می‌بیند که مردم به امام عادل امامی که جمیع شرایط امامت جماعت را دارد اقتدا کرده‌اند، فقهاء می‌فرمایند: مستحب است که مجدداً به این جماعت اقتدا نماید. در برخی روایات

۸. وسائل الشیعة ۸: ۳۰۲ ح ۲ (۱۰۷۲۹).

داریم **يَخْتَارُ اللَّهُ أَحَبَّهُمَا إِلَيْهِ**^۹ خداوند افضل دو نماز را می‌پذیرد و نماز جماعت وی در صفحه‌ی اعمالش ثبت می‌شود. این در مورد مخالفین هم هست که شخص در هتل نماز خواند چون آنان بخاطر انتظار جماعت فاصله دارند، که بین اذان و اقامه مخصوصاً در نماز صبح ۲۰ دقیقه اختلاف دارند؛ حال شخصی در هتل نماز خواند و وقتی وارد مسجد الحرام شد می‌بیند که نماز می‌خوانند **وَهُوَ عَلَىٰ وُضُوءٍ** وضوء دارد نه اینکه از خواب بلند شده و وارد مسجد شده است **إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ خَمْسًا وَعِشْرِينَ دَرَجَةً** همانطور که در روایات نماز جماعت همراه با شیعه داریم ۲۵ ثواب دارد، نماز با جماعت مخالفین حتی برای کسی که واجب را ادا کرده است باز استحباب دارد.

در این باب ششم برخی روایات را صاحب و سائل بیان کرده است که ممکن است از آن استفاده شود همراه با اینان نماز مطلوبیتی ندارد و معارض روایات قبل باشد.

این روایات سند خوبی ندارند و قابلیت معارضه ندارند ولی با غض نظر از مسأله‌ی سند، دلالت روایت را بررسی می‌کنیم که آیا دلالتاً چنین معارضه‌ای وجود دارد؟

«مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُفْدَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ يَحْيَى الْحَازِمِيِّ عَنِ (الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ) عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَلِيِّ الْمُرَافِقِيِّ وَعَمْرِ بْنِ الرَّبِيعِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ **إِنَّمَا فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ سَأَلَ عَنِ الْإِمَامِ إِنْ لَمْ أَكُنْ أَتَّقُ بِهِ أَصْلِي خَلْفَهُ وَأَقْرَأَ - قَالَ: لَا صَلِّ قَبْلَهُ أَوْ بَعْدَهُ - قِيلَ لَهُ: أَوْ أَصْلِي خَلْفَهُ وَاجْعَلْهَا تَطَوُّعًا؟ قَالَ: لَوْ قَبْلَ التَّطَوُّعِ لَقَبِلْتِ الْفَرِيضَةَ، وَلَكِنْ اجْعَلْهَا سُبْحَةً.**»^{۱۰}

أَنَّهُ سَأَلَ عَنِ الْإِمَامِ از امام **إِنَّمَا** سؤال شد که امام جماعتی است که **إِنْ لَمْ أَكُنْ أَتَّقُ بِهِ** مورد وثوق و اطمینان من نیست و عدالت او را نمی‌شناسم و قابلیت اقتدا به او را نمی‌دانم **أَصْلِي خَلْفَهُ وَأَقْرَأَ** همراه او نماز می‌خوانم و اعمال را خودم انجام می‌دهم اصلاً اجازه می‌دهید به چنین فردی اقتدا نمایم؟ **قَالَ: لَا، صَلِّ قَبْلَهُ أَوْ بَعْدَهُ** بعد یا قبل از او نماز بخوان و همراه او نماز نخوان **قِيلَ لَهُ: أَوْ أَصْلِي خَلْفَهُ وَاجْعَلْهَا تَطَوُّعًا** نماز واجب را با او نمی‌خوانم بلکه نماز مستحبی را با او می‌خوانم از باب استحباب اعاده صلاة. **قَالَ: لَوْ قَبْلَ التَّطَوُّعِ لَقَبِلْتِ الْفَرِيضَةَ** حضرت فرمود اگر بناست نماز مستحبی در موردی درست باشد نماز واجب هم در آن مورد درست بود **وَلَكِنْ اجْعَلْهَا سُبْحَةً** بله ذکر بگو و خم و راست بشو ولی ذکر بگو و نماز نخوان.

سؤال: ملاک معیت با آنان است، نماز نخوانید و فقط ذکر بگویید و خم و راست را همراه آنان قرار

دهید.

سؤال: نگفته بود که امام جماعت مخالف باشد؟

۹. وسائل الشیعة ۸: ۴۰۳ ح ۱۰ (۱۱۰۲۳).

۱۰. وسائل الشیعة ۸: ۳۰۳ ح ۵ (۱۰۷۳۲).

جواب: یکی از اشکالات وارد بر این روایت همین است، در روایت آمده که امام جماعت مورد وثوق نیست، که سازگار با امام جماعتی است که عدالتش محرز نیست نه اینکه مذهبش مورد وثوق نیست. **صلِّ خَلْفَ مَنْ تَتَّقُ بِهِ.**^{۱۱} یعنی کسی که معتمد است یعنی عادل است و ثقه به معنای عدل است. این اگر اطلاق هم داشته باشد مقابل تقیید به غیر مخالفین هست. یعنی اگر امام جماعتی شیعه است ولی نمی دانیم او عادل است یا نه؟ آن فضیلت را ائمه عليهم السلام برای امام جماعت مخالف بیان کرده اند چون همراهی با جماعت مسلمین است، اما همراهی با امام جماعت فاسق شیعه آن فضیلت را ندارد. این روایت در مورد جماعت با خصوص مخالفین که نیست، یا ناظر به کسی است که از ناحیه عدالت مورد تردید است یا اطلاق دارد که از این اطلاق رفع ید می شود بالخصوص روایات متعددی که گذشت. در آن ها تصریح به نماز خواندن با آنان شده بود و نماز همراه با آنان مانند کسی که همراه رسول خدا صلى الله عليه وآله نماز خوانده باشد محاسبه می شود.

پس این روایت علاوه بر مشکل سندی مشکل دلالی هم دارد و صلاحیت معارضه با روایات سابق را ندارد.

و الحمد لله رب العالمين

پایان درس اول



۱۱. وسائل الشیعة ۸: ۳۰۹ ح ۲ (۱۰۷۵۰)، «وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْرِيَارَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: إِنَّ مَوَالِيكَ قَدِ اخْتَلَفُوا - فَأَصَلَّى خَلْفَهُمْ جَمِيعًا؟ فَقَالَ: لَا تُصَلِّ إِلَّا خَلْفَ مَنْ تَتَّقُ بِدِينِهِ».